

بررسی مؤلفه‌های امید افزایی در تفسیر سوره کوثر

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۰

مهدی اکبرنژاد؛ عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ایلام

صدیقه شیخ زاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

چکیده

امید به زندگی از مواردی است که هر انسانی به داشتن آن نیازمند است و بدون آن ادامه زندگی ممکن نخواهد بود، سوره کوثر نیز از سوره‌هایی است که امید به داشتن آینده‌ای روشن را در وجود انسانهای مومن افزون می‌کند. این سوره مبارک دارای فضائل بسیاری است. اگر این سوره را از نظر تفسیری مورد بررسی قرار دهیم جنبه‌های زیادی در این سوره وجود دارد که پیام آور خیر و برکت و سرشار از امید و فضیلت برای پیامبر صلی الله علیه و آله است. علاوه بر این پیشگویی که خداوند متعال در این سوره مبارکه بیان کرد نوید بشارتی بزرگ و خجسته به تمام مسلمانان بخصوص پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله است. معرفی سوره کوثر به عنوان سوره بشارت آمیز و منشأ امید و خیر به پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات و بیان نظریات مفسران در برخی کتب تفسیری مطرح گردیده است. این پژوهش در صدد است با بررسی مؤلفه‌های امید افزایی در تفسیر سوره کوثر، منشأ امید و خیرکثیر را در این سوره مورد مذاقه و بازبینی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: امید افزایی، سوره کوثر، حضرت زهرا سلام الله علیها.

روایت است از ابو امامه از ابی کعب که رسول - صلی الله علیه و آله - فرمودند: هر که **إِنَّا أُعْطِينَاكَ** را بخواند، خدای تعالی او را از جوی‌های بهشت آب دهد و به عدد هر قربانی که در روز عید کردند و می‌کنند، برای او ده حسنه بنویسند چه از مسلمانان و اهل کتاب و مشرکان باشد. جابر بن مکحول روایت کرد که رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - گفت: هر کس این سوره را بخواند، خدای تعالی آنقدر ملک و ملک به او در بهشت می‌دهد که اگر وصف آن را در دفترها در دنیا و هر چه در اوست باشد نویسد به تعداد شترانی که از مشرق تا به مغرب برسد، نمیرسد.^۱ روی سخن در تمام این سوره به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است (مانند سوره و الضحی و سوره الم نشرح) و یکی از اهداف مهم هر سه سوره تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبانهای مکرر دشمنان است.^۲ آنها چه در قرن‌های گذشته و چه تا کنون، همواره نقشه‌های شوم خود را برای ضربه زدن به اسلام به کار می‌گرفتند و با آزار و اذیت‌های مختلف به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سعی داشتند ایشان را نا امید سازند و از کار خود که دعوت به اسلام است باز دارند. ابن عباس در باره شأن نزول این آیه می‌گوید فردی به نام عاص بن وائل به پیامبر لقب ابتر، یعنی بی دنباله و بی نسل را داد و این سوره نازل شد.^۳ چون قلب مبارک پیامبر از این زخم زبان آزرده شده بود، خداوند با نزول این سوره به ایشان بشارت می‌دهد و تا مرهمی بر زخم زبان دشمنان باشد و در عزم آهنین ایشان فتور و سستی راه نیابد؛ اما اینکه سوره کوثر شامل کدام بشارت و امید است و چه خبری را به پیامبرش اعلام می‌دارد مسئله‌ای است که نویسنده با مراجعه به تفاسیر به آن پاسخ خواهد داد. این مقاله به این می‌پردازد که در سوره کوثر چه مولفه‌هایی برای امید افزایی وجود دارد. درباره پیشینه علمی این موضوع باید گفت هیچ مقاله‌ای که در آن به بررسی امید در سوره کوثر پردازد نوشته نشده است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی سوره کوثر در کتب و تفاسیر مختلف و کشف موارد امید افزایی در این سوره به تحلیل این موارد بپردازد.

مؤلفه‌های امید افزایی در سوره کوثر

(۱) لحن بشارت آمیز

لحن بشارت آمیز و امیدآفرین خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله در سوره کوثر نشان دهنده منتی است که خداوند بر پیامبرش نهاده و آن عظمت و مقامی است که ایشان در نزد خداوند متعال دارند.^۴ زیرا کوثر که یکی از مصادیق آن خیر فراوان است و اعطای آن به پیامبرش اوج احترام و تکریم خداوند به ایشان را می‌رساند و نماد عظمت پیامبر در پیشگاه خداوند منان است.^۵ لحن بشارت آمیز خداوند در سوره کوثر به این خاطر است که ابن عباس در مورد شأن نزول این سوره نوشته است که سوره کوثر در بزرگداشت رسول الله صلی الله علیه و آله و آرامش خاطر بخشیدن به آن حضرت و در رد کلام عاص بن وائل فرود آمد. او به هنگام بیرون آمدن پیامبر از مسجد الحرام، ایشان را در باب بنی السهم ملاقات کرد و با آن حضرت مدتی به گفتگو پرداخت. سران قریش که این منظره را مشاهده کردند، از او سؤال کردند: با چه شخصی صحبت می‌کردی؟ او با عبارات بی‌شرمانه گفت با این ابتر! این جواب به دلیل مرگ پسرش ابراهیم اتفاق افتاده و عرب جاهلیت، کسی را که بعد از خود، اولاد پسر نداشته را ابتر می‌نامید.^۶ در این هنگام این آیه نازل شد و بدین وسیله خدا به پیامبرش نوید داد که به او خیر فراوان و یا نسلی شایسته و ماندگار در طول تاریخ ارزانی خواهد داشت.^۷

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ ما به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم!

۲) عطای کوثر (خیر فراوان) به پیامبر صلی الله علیه و آله

همانگونه که گفته شد، عطای کوثر به پیامبر صلی الله علیه و آله در سوره کوثر کاری است که خداوند در برابر طعنه‌ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد و باعث آرامش خاطر ایشان گشت. از طرف دیگر، در آیه مورد بحث کلمه «ان» نیز تاکید دیگری است بر این معنی و تعبیر به «اعطیناک» و نه آتیناک دلیل بر این است که خداوند کوثر را به حضرتش بخشیده و عطا فرموده است^۸ و خداوند در این سوره فرموده است «دادیم» ماضی آورده» و نگفته «میدهم و یا خواهیم داد» تا اولاً به پیغمبر اعلام کند که اسباب سعادت و عظمت تو از مدت‌ها قبل، حتی قبل از تولدت به کرم و لطف ایزدی مهیا گشته و پاداش عمل و عبادت تو نیست تا محدود و متناهی باشد. ثانیاً اطمینان بیشتری بدهد که آنچه در آینده به تو داده خواهد شد آنها را داده شده باید دانست و هر آینده‌ای که وقوعش محقق است به منزله گذشته است و به لفظ ماضی بیان می‌شود.^۹ در معنای کوثر، می‌توان گفت که معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیر می‌شود.^{۱۰} مفسران معناهای مختلفی از کوثر ارائه داده‌اند. بنابراین، اگر مراد از «کوثر» علم باشد، همان چیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای داشتن آن دعا کردند و فرمودند: «قل ربّ زدنی علماً»^{۱۱} اگر مراد از کوثر اخلاق نیک باشد، همانطور که در قرآن آمده پیامبر دارای خلق عظیم بود.^{۱۲} ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴) اگر مراد از «کوثر» عبادت باشد، حضرتش به قدری عبادت می‌کرد که آیه نازل شد: ما قرآن را نفرستادیم تا این گونه خود را به مشقت اندازی. ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ﴾ (طه: ۲) اگر مراد از «کوثر» نسل کثیر باشد که امروزه بیشترین نسل از اوست. اگر مراد از «کوثر» امت کثیر باشد، طبق وعده الهی اسلام بر تمام جهان غالب خواهد شد. ﴿يُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳) اگر مراد از «کوثر» شفاعت باشد،^{۱۳} خداوند تا جایی که پیامبر راضی شود از امت او می‌بخشد. ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾ (ضحی: ۵)؛ اما تاریخ قطعی زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله - که از او پسری نماند - و

همچنین شأن نزول آن به نظر می‌رسد گواه بر آن است که تنها مصداق کوثر، در این سوره حضرت فاطمه سلام الله علیها است؛ زیرا پیامبر همه این فضائل را از گذشته داشته است و همانطور که گفته شد این آیه خبر از آینده‌ای پر امید که حضرت حجت بن الحسن مصداق و تنها باقیمانده این سلاله اطهر است را می‌دهد؛ اما کوثر هر چه باشد همه اینها می‌تواند خبر از کوثر و مصداقی از خیر فراوان و نوید بخش و امید آفرین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مرهمی بر دل آزرده خاطر ایشان باشند.

۳) امید به برخوردارگی از نسلی گسترده و با برکت

براساس شأن نزول این سوره، سخن از عطای کوثر به پیامبر صلی الله علیه و آله، در پاسخ کسی است که آن حضرت را از تداوم نسل محروم دانسته بود. بنابراین جمله ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾، بشارتی است که لفظ ماضی در آن، بر تحقق حتمی کوثر در آینده و عطای نسلی فراوان به پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارد.^{۱۴} کوثر و گسترش اسلام و نسل آن حضرت. اشاره شد که ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ از لحاظ وقوع، یکی از معجزات است. گسترش اسلام و گسترش نسل آن حضرت این خبر را به مرحله عمل در آورد، لازم است به هر یک اشاره شود، از لحاظ گسترش اسلام، می‌دانیم که اسلام از روز اول پیوسته در گسترش بوده و هست. در سال ۱۳۶۲ تعداد مسلمین جهان بیشتر از هزار میلیون نفر است، هشتاد در صد افریقا و بیشتر از شصت درصد آسیا مسلمان هستند و در قاره‌های دیگر به قدر معتنا بهی وجود دارند، این تزیید و گسترش ادامه دارد و «کوثر» هر روز بیش از روز دیگر گسترده‌تر می‌گردد؛^{۱۵} اما گسترش نسل آن حضرت توسط حضرت فاطمه علیها السلام، از عجائب عالم است، قطع نظر از اینکه هر یک از امامان صلوات الله علیهم از نسل فاطمه مصداق کوثرند که در عرض چهارده قرن مردم را از کوثر قرآن و اسلام سیراب

می‌کنند، فرزندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُوى زمین را پر کرده‌اند، بنابراین واقعا فاطمه سلام الله علیها مصداق کوثر است.

بنی امیه مدت هشتاد سال مرتب اولاد فاطمه را کشته و در زنجیر قرار دادند. بنی عباس مدت پانصد سال اولاد فاطمه را کشتند، زیر دیوارها گذاشتند و قتل عام کردند، با وجود این، همه جا سادات و فرزندان فاطمه به حد کافی یافت می‌شوند. در قرن هشتم هجری بیست هزار از سادات و فرزندان زهرا علیها السلام شمارش شدند و در عصر سلطان سلیم عثمانی به نوزده میلیون تخمین زده شد. پس **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ** شماره مجتهدان، محدثان، خطباء، مؤلفان، قیام-کنندگان و سایر مردان بزرگ در میان سادات بیشتر از آن است که به حساب آید.^{۱۶}

فخررازی در تفسیر کبیر می‌گوید: چه نسلی با برکت‌تر از نسل فاطمه علیها السلام که مثل باقر و صادق و کاظم و رضا و تقی و نقی و زکی علیهم السلام از آن برخاسته است و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس شهید کردند؛ اما باز هم امروز فرزندان او در اکثر کشورهای اسلامی گسترده‌اند.^{۱۷}

۴) نسلی پاک و طاهر از ذریه حضرت فاطمه سلام الله علیها

هر چند در شأن نزول‌ها و روایات سخنی از تطبیق «کوثر» بر «فاطمه» سلام الله علیها، به میان نیامده است؛ اما آنچه از آیه آخر سوره، یعنی «انَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ» استفاده می‌شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر است و از آنجا که عرب به افراد بی‌عقبه و بی‌نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می‌شود، ابتر می‌گوید، بهترین مصداق برای کوثر، ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است که امامان معصوم علیهم السلام از نسل فاطمه هستند.^{۱۸} آنچه جار الله زمخشری نقل کرده- که کوثر اولاد مؤمنین از امتش هستند تا روز قیامت چون آنها اولاد پیامبرند.^{۱۹}- مقبول نیست؛ زیرا خداوند تا ضرورتی نباشد از حقیقت به

مجاز عدول نمی‌کند در حالی که پیامبر به حسن و حسین علیهما السلام فرمود: این دو پسر امامند، قیام کنند یا بنشینند و به حسن فرمود: این پسر من سید و سرور است و در قرآن آمده است: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ﴾ (احزاب: ۴۰) «محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبود». پس چگونه کوثر بر اولاد امت پیامبر آنهايي که خدا منع کرده که پیامبر پدری یکی از آنها باشد حمل می‌شود و بر اولاد دو پسرش (حسن و حسین) از دخترش فاطمه علیها السلام که خشکی و دریا و دشت و کوهستان را بر اثر کثرتشان پر کرده‌اند، حمل نمی‌شود.^{۲۰} اولادی که آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) در شأن ایشان نازل شده است^{۲۱} و در روایت است که پیامبر در شأن آنان فرمودند: بار الها اینها اهل بیت من و خاصان من هستند، پس پلیدی را از ایشان ببر^{۲۲} و این آیه نشان از عصمت و پاکی ایشان از هرگونه پلیدی و ناپاکی است. اینان دوازده معصوم و دوازده نور از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه سلام الله علیها هستند. بنابراین همین نکته می‌تواند نویدی عظیم از کوثری پاک و مطهر و ابتر نماندن ذریه و دنباله پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که نمونه و مصداق آن در هیچ کجای عالم پیدا نخواهد شد.

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!

۵) شکر و سپاس نعمت

خداوند در آیه بعد، بلافاصله امر به نماز و قربانی شتر می‌دهند، ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ از ظاهر سیاق و ظاهر اینکه حرف فاء بر سر این جمله در آمده، استفاده می‌شود که امر به نماز و نحر شتر، که متفرع بر جمله ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾ شده، از باب شکر نعمت است و چنین معنا می‌دهد، حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم این نعمت بزرگ را با نماز و نحر شکرگزاری کن.^{۲۳} ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ﴾: برای پروردگارت نماز بگذار همانطور که

دین اسلام بهترین برنامه را برای داشتن زندگی سالم ارائه می‌دهد. امید آفرینی در سایه عمل صالح و عبادت تقویت می‌شود. به عبارت دیگر فرایند آفرینش و ایجاد امید در فرد، تحت تأثیر عمل صالح قرار می‌گیرد و نیرومندتر می‌شود. نماز جایگاه ویژه‌ای در دین اسلام دارد؛ زیرا ذکر و یاد خدا یکی از بهترین راههای تثبیت امید در قلوب مومنین خواهد بود و آرامشی در قلوب ایجاد می‌کند و انسان را به عرش می‌رساند که هیچ عمل دیگر چنین اثری ندارد و از جمله کارهایی است که خداوند برای یاد کردن خود در شبانه روز برای بندگان قرار داده تا از این طریق هم شکر نعمت‌هایش بجا آورده شود و هم لطفی برای بندگان باشد؛ زیرا که خداوند متعال نیازی به نماز آدمی ندارد و خود بی نیاز مطلق است. خداوند در سوره کوثر بعد از اینکه فرمودند ما به تو کوثر را بخشیدیم و برای اینکه این منبع فیاض را هر چه بیشتر و به هر سو جاری گردانی و به شکرانه این نعمت عظیم و به خاطر تثبیت امید در قلب مبارک ایشان و برای اینکه آرامش به قلب آزرده و رنجور پیامبر صلی الله علیه و آله بازگردد فرمودند باید برای پروردگارت نمازگزار و قربانی نمایی؛ زیرا نماز کامل، پیوستگی به پروردگار و باز نمودن مجاری روح از موانع نفسانی، برای جریان فیض و رحمت است.^{۲۴} از آثار اقامه نماز بهبود رابطه بین انسان و خالق مطرح است که فرد با عبادت کردن تلاش می‌کند وظیفه بندگی را به جا آورد، بدیهی است وقتی روابط بین بنده و بنده پرور سالم باشد، انرژی و امید بیشتری نسبت به کسانی دارد که از داشتن رابطه سالم بی بهره است. قربانی شتر نیز یکی دیگر از اعمالی است که در دین اسلام به آن سفارش شده و انفاق گرانبهاترین حیوانات مورد علاقه برای پروردگار است. این نماز و قربانی است که سرچشمه کوثر و دریچه امید را به روی شخص و به سوی خلق می‌گشاید و با ترک آن هر سرچشمه خیری بسته و خشک و حیات انسانی جامد و ساکن و ناپایدار می‌گردد^{۲۵} و با انجام آن که نیاز به ایثار و گذشت است، روحیه خودباوری و امید را دو چندان خواهد کرد و نشان دهنده این است که خداوند همیشه و در همه مراحل

پیامبرش را در برابر آزار و اذیت‌هایی که نسبت به ایشان روا می‌داشتند چه با زبان و چه با کارهایی که قلب مبارک ایشان را آزرده می‌ساخت، پشتیبانی خواهد کرد و همواره مکر و توطئه‌های دشمنان را باطل می‌کند.

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده‌نسل و بی‌عقب است!

۶) پیشگویی و خبر از آینده‌ای روشن

آخرین آیه سوره کوثر یعنی ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ در حقیقت خود خبر از وقوع امریست که در آینده محقق می‌شود و این خود می‌تواند یکی از وجوه اعجاز این سوره باشد.^{۲۶} این سوره در حقیقت بیانگر پیشگویی بزرگی است و خبر از آینده‌ای روشن را می‌دهد و آن ظهور کسی خواهد بود که با آمدنش تمام ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های عالم برچیده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد و صلح و صفا خواهد کرد. ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف در واقع آینده‌ای سبز و پرفروغ را رقم خواهد زد.

۷) تداوم راه اسلام

از این تعبیر استنباط می‌شود که این خیر کثیر همان فاطمه زهرا سلام الله علیها است؛ زیرا نسل و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت. نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیغمبر بودند، بلکه آئین او و تمام ارزشهای اسلام را حفظ کردند و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم اهل بیت علیهم السلام که آنها حساب مخصوص به خود دارند، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه علیها السلام در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنها علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام و فرماندهان عظیم بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آئین اسلام کوشیدند.^{۲۷} نمونه اسوه و ایثار در اسلام امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان که جان خود را در راه اسلام و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر فدا کردند تا راه اسلام

تداوم داشته باشد. با توجه به اینکه نسل طیبه حضرت فاطمه سلام الله علیها، که در رأس آنان ائمه معصومین علیهم السلام قرار دارند و آخرین آنها امام مهدی عج الله تعالی است که ایشان با ظهور و قیام خود انتقام خون جد خویش (امام حسین علیه السلام) را خواهد گرفت و راه ایشان را ادامه خواهند داد و توطئه دشمنان اسلام را خنثی می‌کند و ریشه ظلم و فساد را بر خواهد کند و تمام جهان را پر از عدل و داد می‌کنند و آینده‌ای بی نظیر برای جهان رقم خواهد زد و طبق آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳). آن را بر تمام ادیان غالب خواهد کرد به طوری که عالم در آن به صلح و صفا و آرامش خواهد رسید. این آینده روشن، خواهد رسید، همانطور که قرآن کریم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله با نزول سوره کوثر پیشگویی چنین آینده‌ای را کرده بود و پیامبر را به آن مزده داد.

۸) پیروزی اسلام و نابودی دشمنان

این سوره از یک سو اعطاء خیر کثیر را به پیغمبر نوید می‌دهد (همانطور که گفته شد، گر چه "اعطینا" به صورت فعل ماضی است؛ ولی ممکن است از قبیل مضارع مسلم باشد که در شکل ماضی بیان شده) و این خیر کثیر تمام پیروزیها و موفقیت‌هایی را که بعداً نصیب پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و آله شد، به هنگام نزول این سوره در مکه قابل پیش‌بینی نبود، شامل می‌شود.^{۲۸} از سوی دیگر خبر می‌دهد که پیغمبر صلی الله علیه و آله بلا عقب نخواهد بود، بلکه نسل و دودمان او به طور فراوان در جهان وجود خواهند داشت.^{۲۹} دشمنی که از سر غرور و نخوت به زیادی تعداد و فرزندان خویش می‌بالید و مسلمین را ناچیز می‌انگاشت و به خصوص بعد از فوت فرزند رسول گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله، کار را تمام شده تلقی می‌کرد و گمان می‌برد پیام و رسالت پیامبر در میان انبوه حوادث تاریخ به فراموشی سپرده خواهد شد، در این هنگام قرآن کریم پیشگویی کرد و به پیامبر خویش فرمود دین تو جهانگیر خواهد شد و کار دشمنان به نافرجامی و تباهی خواهد کشید و

امروزه که پس از چهارده قرن حضور سرافراز اسلام را در جهان مشاهده می‌کنیم، درخشش اعجاز این سوره را هر چه بیشتر حس کرده و آن را به عنوان نشانه صدق دیگری بر رسالت نبی گرامی اسلام اعلام می‌داریم^{۳۰} و از سوی دیگر چون قریش انتظار مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و برچیده شدن بساط اسلام را داشتند، چرا که می‌گفتند او بلا عقب است، قرآن می‌گوید تو بلا عقب نیستی، دشمنان تو بلا عقب‌اند! زیرا مشاهده می‌کنیم عملاً دشمنان پیامبر هستند که بی‌دنباله بوده و چنان تار و مار شدند که امروز اثری از آنها باقی نمانده است.^{۳۱} در حالی که طوائفی همچون بنی امیه و بنی عباس، که به مقابله با پیغمبر صلی الله علیه و آله و فرزندان او برخاستند روزی آن قدر جمعیت داشتند که فامیل و فرزندان آنها قابل شماره نبود؛ ولی امروز اگر هم چیزی از آنها باقی مانده باشد هرگز شناخته نیست^{۳۲} و این نیز نمونه‌ای از بشارت و امیدی است که خداوند متعال به پیامبر عزیز خود داده و و ایشان را با این خبر بزرگ از هر جهت امیدوار و خوشنود ساخته است؛ زیرا طعنه‌های دشمنان بر قلب صاف و مانند آینه پیامبر صلی الله علیه و آله مانند نیشی زهرآگین بودند که دل مبارک ایشان را آزرده و رنجیده می‌ساختند که خداوند متعال نیز با نزول این سوره مبارک جواب دندان شکنی برای حرفهای دشمنان بود و هم امیدآفرین برای پیامبر صلی الله علیه و آله.

نتیجه

منشأ امید آفرین در سوره کوثر بشارتی است که خداوند متعال در این سوره به پیامبر خود برای زدودن نگرانی و اندوه ایشان که از گفتار قریش در روح و جان پیامبر تأثیر می‌گذاشت و نیز برای نابود ساختن سخنان یاوه آنها بود، می‌دهد که منشأ خیر و امید فراوان است. کوثر این خیر بزرگ همان نسل و ذریه‌ای است که از ازدواج حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام متولد می‌شوند و دوازده نور سر منشأ این خیر و امید هستند. همان ذریه‌ای که در سراسر عالم پراکنده‌اند و در طول تاریخ نظیر آن مشاهده نشده

و نخواهد شد؛ اما دشمنان اسلام در هر زمان با کینه‌ای دیرینه که نسبت به ایشان داشتند حاصل این ذریه را در هر کجا که بودند تک به تک به شهادت می‌رساندند. تنها ذریه باقیمانده از آن سلاله پاک و اطهر حضرت مهدی عج الله تعالی است. ایشان به کوری چشم دشمنانشان هنوز هستند و تا جهان را پر از عدل و داد نکنند و امید و شادی را در سراسر جهان گسترش ندهند و انتقام خون پاک جدشان را نگیرند از پای نخواهند ایستاد.

پی نوشت‌ها:

۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۴۲۶؛ کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۳۶۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۵.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۰.
۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۲؛ سیوطی، جلال الدین، تفسیر درالمنثور، ج ۸، ص ۶۵۲.
۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۷.
۵. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۴۷۹.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۲؛ سیوطی، جلال الدین، تفسیر درالمنثور، ج ۸، ص ۶۵۲؛ بانو اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان، ج ۱۵، ص ۳۱۰؛ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۶۰۸؛ فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۳؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۵؛ میبیدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۱۰، ص ۶۳۸؛ عنایه، غازی حسین، اسباب النزول قرآنی، ص ۴۲۰؛ بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۸۸۰.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۹؛ طوسی، محمد بن حسن، تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۱۷.
۸. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۴۷۹؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۹.

۹. رک: تفسیر نوین، ص ۳۵۶.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۲؛ سیوطی، جلال الدین، تفسیر درالمنثور، ج ۶، ص ۴۰۲؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، ج ۵، ص ۳۴۲.
۱۱. نیشابوری، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۷۸.
۱۲. همان.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۴۹.
۱۴. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۴۸۰.
۱۵. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۸۰.
۱۶. همان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶؛ فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۲۱؛ نیشابوری، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۷۶؛ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۶۱۱.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۴۸۶؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ج ۴۳، ص ۵؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۸؛ تقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ج ۵، ص ۴۴۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۸۷۴؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۱۰، ص ۳۶۲؛ حسینی همدانی، محمدحسن، انواردرخشان، ج ۱۸، ص ۳۰۹؛ حسینی شیرازی، محمد، تبیین القرآن، ص ۶۲۵؛ فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، ج ۲۴، ص ۴۴۷؛ صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۳۰، ص ۴۷۴.
۱۹. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۸۰۷.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۴۸.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۳؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۵.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۷۴؛ سیوطی، جلال الدین، تفسیر درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۹؛ ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنویر، ج ۳۰، ص ۵۰۲.

۲۴. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۲۸۰.

۲۵. همان.

۲۶. نیشابوری، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۷۸؛ طبرسی، فضل بن حسن،

تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۵۰؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها

السلام، ص ۶۶۵؛ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۸ و ۶۳۹.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۲۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر التنویر، ج ۳۰، ص ۵۰۳.

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶.

۳۰. همان، ص ۳۷۷.

۳۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر التنویر، ج ۳۰، ص ۵۰۲.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۵ و ۳۷۷.

منابع:

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر التنویر، ج ۳۰، بی جا: بی نا، بی تا.

۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، تحقیق

دکتر محمد جعفر یا حقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۳. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، تحقیق علی عبدالباری علیه، بیروت:

دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۴. بانو اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان، ج ۱۵، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.

۵. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، تحقیق عبدالله محمود شحات، بیروت:

داراحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۵، تحقیق محمد عبدالرحمان

المرعشی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۷. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ج ۵، تهران: انتشارات برهان، چاپ چهارم، ۱۳۹۸ق.

۸. حسینی شیرازی، محمد، تبیین القرآن، بیروت: دارالعلوم، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۹. حسینی همدانی، محمدحسن، انواردرخشان، ج ۱۸، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، تفسیر درالمثثور، ج ۵ و ۶ و ۸، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. شریف لاهیجی، محمد بن، علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۳۰، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
۱۳. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۵ و ۱۶ و ۲۰، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۵۰ و ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۱۷. _____، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ترجمه بهراد جعفری، تهران: اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تحقیق با مقدمه شیخ آغا بزرگ و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. عنایه، غازی حسین، اسباب النزول قرآنی، بیروت: دارالجیل، بی تا.
۲۰. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.

۲۱. فضل الله، سيد محمد حسين، تفسير من وحى القرآن، ج ۲۴، بيروت: دارالملاک للطباعه والنشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.

۲۲. فيض کاشانی، ملا محسن، تفسير صافی، ج ۵، تحقيق حسين اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

۲۳. قرائتی، محسن، تفسير نور، ج ۱۰، تهران: مرکز فرهنگي درسهاي از قرآن، چاپ يازدهم، ۱۳۸۳ش.

۲۴. قرشی، علی اکبر، تفسير احسن الحديث، ج ۱۲، تهران: بنياد بعثت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ش.

۲۵. قمی، علی بن ابراهيم، تفسير قمی، ج ۲، تحقيق سيد طيب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.

۲۶. کاشانی، ملافتح الله، تفسير منهج الصادقين، ج ۱۰، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش.

۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا عليها السلام، ترجمه محمد روحانی، تهران: انتشارات مهام، چاپ: اول، ۱۳۷۹ش.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، ج ۱۷ و ۲۷، تهران: دارالکتب الاسلاميه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۲۹. مبيدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۱۰، تحقيق علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.

۳۰. نیشابوری، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، تحقيق شيخ زکریا عمیرات، بيروت: دارالکتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.